

Examining the Influence of Soft Power in Sports Diplomacy on Iran-U.S. Relations: A Case Study of Volleyball Diplomacy

Mohammad Bidgoli

Assistant Professor, Department of Law, Varamin-Pishva Branch, Islamic Azad University, Tehran,
Iran. mohammad.bidgoli@yahoo.com

Abstract

The use of sports and sports diplomacy has been well-documented in the history of global diplomatic practices. In recent years, sports have served as a diplomatic tool, with sports diplomacy regarded as one of the most pivotal methods for fostering soft power. Nations have employed such strategies to mitigate tensions in various social, political, economic, and cultural domains with other actors. Over the past few decades, the relationship between the Islamic Republic of Iran and the United States has faced numerous challenges. The participation of Iran's national teams, particularly the volleyball team, in international events such as the Volleyball World League and the Olympic Games has created opportunities to enhance Iran's standing and even reduce tensions with its long-standing adversary, the United States. This raises the question: how does the soft power of sports diplomacy influence Iran-U.S. relations? This study hypothesizes that the soft power generated by sports diplomacy leads to a relative improvement in cultural and sports relations between Iran and the United States. Employing a descriptive-analytical method, the findings reveal that sports, even amid heightened tensions between the two nations, have maintained minimal levels of interaction and provided a platform for implicit political objectives for both Iran and the United States. While sports diplomacy has the potential to improve Iran-U.S. relations, it faces distinct limitations due to the entrenched mistrust between Washington and Tehran. At critical junctures and with minimal costs, sports have contributed to temporary improvements in Iran-U.S. relations. It is recommended that greater emphasis be placed on hosting major international volleyball events, which can project a different image of the Islamic Republic of Iran by leveraging the soft power of sports. Additionally, targeted investment in sports diplomacy, particularly volleyball, should be pursued to neutralize anti-Iranian propaganda and combat media-driven Iranophobia.

Keywords: United States, Islamic Republic of Iran, Sports Diplomacy, Soft Power, Volleyball.

واکاوی تاثیر قدرت نرم دیپلماسی ورزشی بر روابط ایران و آمریکا: مطالعه موردی دیپلماسی والیبال

محمد بیدگلی

استادیار، گروه حقوق، واحد ورامین- پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

mohammad.bidgoli@yahoo.com

چکیده

استفاده از ورزش و دیپلماسی ورزشی تجربه مستندی را در تاریخ دیپلماسی ورزشی جهان ثبت کرده است. ورزش در سنوات اخیر یک ابزار دیپلماتیک بوده و دیپلماسی ورزشی یکی از کلیدی‌ترین شیوه‌های شکل‌گیری قدرت نرم به حساب آمده و کشورها تلاش می‌کنند از طریق راهکارهایی برای کاهش تنش‌ها در زمینه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با سایر بازیگران اقدام کنند. روابط جمهوری اسلامی ایران با ایالات متحده آمریکا در چند دهه اخیر با چالش‌های فراوانی مواجه بوده است. حضور تیم‌های ملی جمهوری اسلامی ایران به خصوص والیبال در رویدادهای بین‌المللی مانند لیگ جهانی والیبال و بازی‌های المپیک فرصتی بوجود آورده است تا ورزش به ارتقای جایگاه ایران و حتی کاهش تنش با دشمن دیرینه ایران یعنی آمریکا بیانجامد. حال پرسش این است که تاثیر قدرت نرم دیپلماسی ورزشی بر روابط ایران و آمریکا چگونه است؟ پژوهش بر این فرضیه استوار است که تاثیر قدرت نرم دیپلماسی ورزشی باعث بهبود نسبی روابط فرهنگی- ورزشی ایران و ایالات متحده آمریکا می‌شود. روش پژوهش توصیفی- تحلیلی بوده و نتایج نشان داد که، ورزش در اوج تنش‌های دو کشور، حداقلی از روابط را برای دو کشور باقی گذاشته و شکل‌گیری قدرت نرم، بستری برای نیل به اهداف ضمنی سیاسی برای دو کشور ایران و آمریکا فراهم کرده است. اگرچه دیپلماسی ورزشی این پتانسیل را دارد که روابط بین جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا را بهبود ببخشد، اما محدودیت‌های مجزایی برای تکیه بر دیپلماسی عمومی وجود دارد که دیوار خصمانه بی‌اعتمادی میان واشنگتن و تهران را تقویت می‌کند. ورزش در مقاطعی حساس و با کمترین هزینه، به بهبود مقطعی مناسبات ایران و آمریکا کمک کرده است. پیشنهاد می‌شود برای دریافت میزبانی‌های مهم والیبال در سطح جهانی که چهره‌ای متفاوت از جمهوری اسلامی ایران با اتکاء به قدرت نرم ورزش نشان می‌دهد، مورد تاکید قرار گیرد و همچنین سرمایه‌گذاری ویژه‌ای در زمینه دیپلماسی ورزشی به خصوص والیبال برای بی‌اثر کردن تبلیغات ضد ایرانی و مقابله با ایران‌هراسی رسانه‌ها انجام شود.

کلیدواژه‌ها: ایالات متحده آمریکا، جمهوری اسلامی ایران، دیپلماسی ورزشی، قدرت نرم، والیبال.

استاد به این مقاله: بیدگلی، محمد (۱۴۰۳). واکاوی تاثیر قدرت نرم دیپلماسی ورزشی بر روابط ایران و آمریکا: مطالعه موردی دیپلماسی والیبال. *سیاست‌پژوهی ایرانی*، ۱۱(۳)، ص ۷۷-۹۲.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۷؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۵/۲۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۱؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۷/۰۲

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان.



۱. مقدمه

امروزه ورزش به عنوان یک صنعت بزرگ و با ظرفیت بالا، حوزه‌های گسترده‌ای شامل فرهنگ، اقتصاد و سیاست را در خود جای داده که همین امر موجب شده تا توجهات بسیاری را به خود جلب نماید (عراقی و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۲۲). دیپلماسی عمومی^۱ را به تقویت منافع ملی از طریق شناخت، اطلاع‌رسانی و تأثیرگذاری بر مردم کشورهای دیگر و گسترش گفتگو میان شهروندان و نهادهای يك کشور و هم‌تایان خارجی آنان تعریف می‌کنند. ابزارهای عمده در این دیپلماسی عبارتند از: انتشارات، فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی، مبادلات فرهنگی، تلویزیون، هنر و ورزش. ورزش^۲ به عنوان یک صنعت بزرگ و با ظرفیت بالا، حوزه‌های گسترده‌ای شامل فرهنگ، اقتصاد و سیاست را در خود جای داده که همین امر موجب شده تا توجهات بسیاری را به خود جلب نماید. مفهوم دیپلماسی ورزشی^۳ اولین بار در سال ۱۹۷۵ میلادی به‌کار گرفته شد. دیپلماسی ورزشی می‌تواند زیرساخت‌های تنش‌زدایی در روابط کشورها را به‌وجود آورد. دیپلماسی عمومی از اهداف سیاست خارجی و اهداف دیپلماسی سنتی حمایت می‌کند (هادیان و احدی، ۱۳۸۸، ص ۷). برجسته ساختن ابعاد مثبت ورزش در سطح بین‌المللی، همان ایجاد روابط دوستانه است و می‌توان با راهکارهای مناسب و اتخاذ سیاست‌های مناسب، باعث ایجاد شرایطی شد که ورزش، پاکی خود را حفظ و در حل کشمکش‌های بین‌المللی و ایجاد صلح، نقش مؤثری ایفا کند. ورزش در دنیای جدید در کنار تأثیرات جسمی، به‌عنوان صنعتی است که در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، تأثیرات کم‌نظیری دارد.

در عرصه جنگ نرم، ورزش یکی از مهم‌ترین کارکردها را دارد. ادعای محوری دیپلماسی عمومی این است که فقط محصور به دولت‌ها نیست. در این عرصه بازیگران متعددی از جمله بازیگران خصوصی، رسانه‌ها، سازمان‌های مدنی فراملی و فراملی وجود دارند. همچنین مخاطبان این دیپلماسی فقط دولت‌ها نیستند. بدین‌سان ورزش فعالیتی برای همکاری و تعامل بین‌المللی است و کشورها از آن برای اشاعه ارزش‌ها و باورهای فرهنگی خود در قالب ورزش استفاده می‌کنند. در این راستا، ضروری است ایران نیز همه امکانات مادی و معنوی خود را بسیج نماید؛ چراکه اشاعه اهداف سیاسی و نمایش قدرت ملی کشور با قدرت نرم ورزش و بویژه منش پهلوانی که همواره به عنوان یک باور در عرصه‌های ورزشی ریشه در تاریخ ایران زمین دارد، می‌تواند به یک منزلت در عرصه

-
1. Public diplomacy
 2. Sport
 3. Sports diplomacy

بین‌المللی برای جمهوری اسلامی ایران تبدیل گردد. اندیشمندان حوزه قدرت، ورزش را در شناسایی و برتری یک کشور در مقایسه با سایر کشورها، آن هم از راه مسابقات، نشانه برتری و تاثیرگذاری در قدرت نرم^۱ می‌دانند. سیاستمداران نیز به کسب افتخارات و میزبانی مسابقات جهانی و منطقه‌ای توجه ویژه‌ای دارند (گلشن‌پژوه، ۱۳۸۷، ص ۱۴۷).

دیپلماسی ورزشی میان ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران عمدتاً در دو رشته کشتی و فوتبال بوده است. اما در سال‌های اخیر رشته والیبال نیز که مورد اقبال مردم و سیاستگذاران هر دو کشور بوده، به این دو رشته اضافه شده و هر دو کشور از بهترین تیم‌های جهان تلقی می‌گردند. نخستین مسابقه تیم‌های ملی والیبال ایران و آمریکا در رقابت‌های قهرمانی جهان ۱۹۷۰ برگزار شد و با پیروزی آمریکا نیز به پایان رسید. نخستین و خاطره‌انگیزترین پیروزی ایران مقابل آمریکا، در جام قهرمانان بزرگ جهان در سال ۲۰۱۳ رقم خورد. در آن مسابقه ایران در دست‌های اول و دوم شکست خورده بود و در آستانه باخت در دست سوم نیز قرار داشت. یکی از بازیکنان کلیدی ایران نیز مصدوم و راهی بیمارستان شده بود. درحالی‌که به نظر می‌رسید آمریکا برنده مسابقه است، سرمربی وقت تیم ملی والیبال ایران، با چند تعویض عجیب، روند بازی را تغییر داد و در نهایت پیروزی را جشن گرفتند. در سال‌های متممادی دو کشور در مقطعی تلاش کردند از دیپلماسی ورزشی به نوعی برای کاهش تنش در مناسبات فی‌مابین استفاده کنند. در واقع در بخش‌هایی از تاریخ روابط ایران و ایالات متحده آمریکا، ورزش توانسته است به جای اعمال قدرت سخت، به عنوان بخشی از قدرت نرم، به کمک سیاستمداران در اجرای سیاست خارجی بیاید (مختاری و کشیشیان، ۱۴۰۱، ص ۹۱).

موضوع روابط جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا یکی از نقاط مورد بحث و اساسی در تاریخ ایران بعد از انقلاب اسلامی بوده است. در شرایطی که ممکن است دیپلماسی رسمی به هیچ عنوان راهگشا و امکان‌پذیر نباشد، دیپلماسی ورزشی می‌تواند با بهره‌گیری از راهکارهایی که کاملاً با راهکارهای سیاسی متفاوت است، به نتایجی دست یابد که ممکن بود با دیپلماسی رسمی، سال‌های سال، این مسیر طی نمی‌شد (مختاری و کشیشیان، ۱۳۹۹، ص ۲۷۱). این نوع از دیپلماسی به دلیل ظرفیت بالا، هزینه نسبتاً کم و بهره‌وری بالا، می‌تواند کارکرد و نتایج مثبتی را برای کشور ایران و آمریکا داشته باشد، امری که متأسفانه تاکنون سیاستمداران ما یا نتوانسته‌اند از آن بهره‌گیری کنند و یا آن را خیلی جدی نگرفتند. از موارد مهم دیپلماسی ورزشی میان این دو کشور می‌توان به دیپلماسی والیبال بین تیم‌های ملی اشاره کرد که در سال‌های اخیر والیبال‌یست‌ها فارغ از مسائل سیاسی، نقش سفیران فرهنگی بین دو کشور جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا را به بهترین شکل انجام

داده‌اند. لذا، دیپلماسی والیبالی یکی از دلایل مهم انتخاب این پژوهش بوده است. برای جمع‌آوری اطلاعات، روش اسنادی و مبتنی بر تفسیر متن مورد استفاده قرار گرفته است. روش‌های اسنادی در زمره روش‌ها یا سنجه‌های غیرمزاخم و غیرواکنشی به‌شمار می‌آیند. مراجعه به اسناد و مدارک در پژوهش‌های علمی یا بررسی‌هایی انجام می‌شود که موضوع آن‌ها، مطالعه پژوهش‌های پیشین درباره پدیده‌های موجود است یا پژوهش‌هایی که موضوع آن‌ها این مراجعه را ایجاب می‌کند (ساروخانی، ۱۳۸۹، ص ۲۵۴). در این روش دو مرحله گردآوری و سپس تحلیل، تبیین و داوری، قابل تصور است. دستاوردهای این پژوهش از نوع کاربردی است.

۲. پیشینه پژوهش

در مورد واکاوی تاثیر قدرت نرم دیپلماسی ورزشی از جهت نظری و تحقیقاتی، پیشینه مرتبطی در روابط فرهنگی- ورزشی جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا، خصوصاً ورزش والیبالی مشاهده نشد.

جدول ۱- پیشینه پژوهش

نویسندگان- روش استفاده شده	عنوان مقاله	مهم‌ترین یافته‌ها
سبزی، شریعتی فیض‌آبادی و صابونچی (۱۴۰۰) با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و PLS	نقش دیپلماسی ورزش در توسعه روابط با کشورهای غربی	نتایج آزمون همبستگی نشان داد که متغیر جریان‌های مذهبی، بیشترین تأثیر را بر تبادل فرهنگی دارد. تبادل فرهنگی رابطه مثبت و معناداری با صلح‌سازی و وحدت ملی دارد. در نهایت رابطه مثبت و معنادار بین صلح‌سازی و وحدت ملی با توسعه اقتصادی مشاهده شد. به‌نظر می‌رسد یافتن گفتمان مشترک در ابعاد تعاملات فرهنگی، به‌ویژه در بستر ورزش، علاوه بر تقویت صلح و دوستی میان جمهوری اسلامی ایران و این کشورها، توسعه اقتصادی را برای جمهوری اسلامی ایران به ارمغان آورد.
شریعتی فیض‌آبادی (۱۳۹۸) روش الگوی بردی	مطالعه تطبیقی دیپلماسی ورزش در توسعه روابط خارجی ایران و کشورهای منتخب	کشورهای توسعه‌یافته در کنار کشورهای دارای اقتصاد نوظهور (بریکس)، با ارائه برنامه‌ای جامع، به دنبال تحقق اهداف کلان سیاسی خود در بستر ورزش هستند.
پلونده و رستمی (۱۴۰۱) روش توصیفی- تحلیلی	سنجش ارتباط بین دیپلماسی ورزشی و پرستیژ بین‌المللی کشورها؛ مطالعه موردی میزبانی قطر برای جام جهانی فوتبال ۲۰۲۲	قطر توانسته از طریق دیپلماسی ورزشی و در ذیل آن گرفتن حق میزبانی جام جهانی فوتبال در سال ۲۰۲۲، با چهار مؤلفه تبدیل شدن به یک بازیگر مهم منطقه‌ای، فرصت مهم دیپلماسی عمومی و قدرت نرم، مشارکت در مورد صلح و امنیت و جذب افکار عمومی، نقشی جدی برای خود پیدا کند و در نهایت پرستیژ و اعتبار بین‌المللی خود را افزایش دهد.

نویسندگان - روش استفاده شده	عنوان مقاله	مهم‌ترین یافته‌ها
مختاری و کشیشیان سیرکی (۱۴۰۱) روش توصیفی-تحلیلی	تأثیر قدرت نرم دیپلماسی ورزشی بر روابط ایران و ایالات متحده آمریکا: مطالعه موردی دیپلماسی کشتی (۱۹۹۸-۲۰۱۳)	در شکل‌گیری قدرت نرم دیپلماسی ورزشی، ورزش کشتی در مقاطعی حساس و با کمترین هزینه، به بهبود مناسبات جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا کمک کرده است.
شاه‌رضایی و شیرزادی (۱۳۹۵) // روش توصیفی-تحلیلی	نقش ورزش در گسترش مناسبات بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۲-۱۳۷۶)	یافته‌ها به نقش ورزش در توسعه روابط دوستانه و گسترش همکاری‌ها با سایر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی در دوره اول مورد بحث (سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۸۴) اشاره دارد.
مختاری و کشیشیان سیرکی (۱۳۹۹) تئوری داده‌بنیان	نقش دیپلماسی مسیر دوم در مناسبات ایران و ایالات متحده آمریکا: مطالعه موردی دیپلماسی ورزشی (۲۰۱۹-۱۹۹۸)	چهار ردیف گسترده شامل توسعه چندجانبه، همبستگی، مدیریت ارتباطات و پرستیژ بین‌المللی با زیرطبقه‌های خود به عنوان مؤلفه‌های اصلی دیپلماسی مسیر دوم در مناسبات جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا موثرند.

۳. چارچوب نظری: قدرت نرم

پس از پایان جنگ سرد،^۱ ایالات متحده آمریکا که از برتری قابل توجهی در عرصه نظامی، سیاسی و اقتصادی برخوردار بود، توانست موقعیت مسلطی در عرصه بین‌الملل به دست آورد، اما چند سالی است که این بازیگر توان برتری را از دست داده و در جوامع بین‌المللی اعتبار گذشته را ندارد (پیرانی و سعیدی‌راد، ۱۴۰۰، ص ۱۵۰). قدرت نرم توانایی به دست آوردن چیزی است که می‌خواهیم با جذب و اقناع سایرین جهت تحقق اهداف خود کسب کنیم. قدرت نرم، محصول و برآیند تصویرسازی مثبت از خود، تاثیرگذاری همراه با رضایت بر دیگران، اراده دیگران را تابع خود کردن و مولفه‌های نظیر آن است (بیگی، ۱۳۸۸، ص ۳۰). به عقیده جوزف نای^۲، در عصر جهانی اطلاعات، همه منابع قدرت نظامی، اقتصادی و نرم، هرچند به درجات مختلف، ولی به یکدیگر مرتبط باقی خواهند ماند. به نظر وی سه منبع عمده برای قدرت نرم یک کشور وجود دارد که عبارتند از: فرهنگ، هنگامی که برای سایر کشورها از جذابیت برخوردار گردد، ارزش‌های سیاسی، هنگامی که با ارزش‌های اجتماعی داخلی، خارجی و روح حاکم بر سیاست‌های خارجی کشور مطابقت داشته باشد و مشروعیت، یعنی زمانی که سایر کشورها فرهنگ ملی کشور مورد نظر را مشروع و اخلاقی تلقی نمایند (Nye, 2004, p.4). به عقیده نای، اگر رهبری ارزش‌هایی را ارائه کند که دیگران، خود مایل به پیروی از آن باشند، اداره کردن آن گروه هزینه کمتری خواهد داشت (نای، ۱۳۸۹، ص ۲۳). شکل‌گیری قدرت نرم، فراگردی بسیار کند و زمان‌بر است و ایجاد آن در کوتاه مدت، ممکن نخواهد بود. به همین دلیل هنگام رخ دادن

1. Cold War

2. Joseph Nye

بحران‌های بین‌المللی که منافع ملی کشور به خطر می‌افتد، زمان آزمون بزرگ میزان قدرت نرم آن کشور در صحنه میان‌کشوری فرامی‌رسد. با توجه به نظریه جوزف نای در ارزیابی مؤلفه‌های قدرت نرم (فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و مشروعیت) می‌توان گفت که عوامل زوال قدرت نرم، کاهش جذابیت‌های فرهنگی، شکل‌گیری تضاد بین ارزش‌های سیاسی با روح حاکم بر رفتار سیاست خارجی و زوال مشروعیت ارزش‌های سیاسی و فرهنگی کشور مورد نظر در صحنه بین‌المللی، به ویژه از دید افکار عمومی و شخصیت‌های تأثیرگذار بین‌المللی است.

تغییرات نظام بین‌الملل و پررنگ شدن نقش بازیگران غیردولتی و افکار عمومی سبب شده تا اشکال جدیدی از دیپلماسی در کنار دیپلماسی سنتی مورد استفاده قرار گیرد. در واقع آمریکا به استفاده از قدرت نرم خود در قالب فرهنگ و سیاست‌ها و ارزش‌ها، در پی رسیدن به رهبری ایدئولوژیک جهانی است (دهشیار، ۱۳۸۷، ص ۴۳۷). اما شواهد فراوانی دال بر فرسایش قدرت نرم آمریکا در نیم سده اخیر وجود دارد. پس از جنگ جهانی دوم، هرچند ایالات متحده آمریکا به دلیل پیروزی در جنگ علیه اردوگاه نازیسم^۱ و به دست گرفتن رهبری مقابله با تمامیت‌خواهی کمونیسم به پرستیژ قابل‌ملاحظه‌ای در صحنه جهانی دست یافت، لیکن با گذشت زمان، منحنی قدرت نرم آمریکا روندی نزولی را تجربه کرد. ورزش به عنوان یکی از مولفه‌های کلیدی قدرت نرم می‌تواند ابزار کارآمدی در تعیین روابط دیپلماتیک باشد. با توجه به نشانه‌های فرسایش و افول قدرت هژمونی آمریکا می‌توان اذعان داشت که قدرت بین‌المللی این کشور در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نمی‌تواند کارایی لازم نظیر دو دهه قبل را داشته باشد (جمشیدی‌ها و قربی، ۱۴۰۰، ص ۶۵).

۴. دیپلماسی ورزشی

رسالت بنیادین دیپلماسی، مدیریت بر روابط میان کشورها و سایر بازیگران بین‌المللی است. در دیپلماسی عمومی مقوله‌هایی همچون هنر، ورزش، دانش، فرهنگ، تاریخ و مذهب نقش کلیدی دارند و مسئولان یک کشور با میدان دادن به سازمان‌های غیردولتی و مردم‌نهاد، زمینه ایجاد ارتباطات ورزشی^۲، فرهنگی، علمی و هنری را فراهم می‌کنند، تا برداشت مردم دنیا نسبت به آن کشور در مسیر درست و معقول شکل گیرد و از این مسیر و با نزدیک شدن ملت‌ها به یکدیگر، زمینه برای رفع اختلاف‌های دولت‌ها فراهم شود. به دلیل جنبه‌های سیاسی و فرهنگی، ورزش به شکلی گسترده به رسمیت شناخته شده است و امروزه ورزش بین‌الملل جزء جدایی‌ناپذیر پوشش‌های روابط میان ملت‌هاست (سبزی و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۱۱). کسب، حفظ و ارتقاء و اعتبار بین‌المللی از جمله

1. Nazism

2. Sports communication

مولفه‌های اصلی منافع ملی کشورها قلمداد می‌شود. در واقع می‌توان گفت که دولت‌ها از طرق مختلف تلاش می‌کنند که در جامعه بین‌المللی دارای جایگاه و منزلت بالایی بوده و به آنها به عنوان کشورهای قابل احترام نگریسته شود (زرگر، ۱۳۹۴، ص ۹). از طرفی، بسیاری از کارشناسان، ورزش و رویدادهای ورزشی را به‌عنوان یکی از زیرمجموعه‌های فرهنگ و دیپلماسی فرهنگی می‌دانند و از آن به عنوان یک دیپلماسی نوین با نام دیپلماسی ورزشی یاد می‌شود (بخشی چناری و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۱۶). لذا، در حال حاضر جهان شاهد گسترش شدید دیپلماسی ورزشی و بهره‌گیری دولت‌ها از این امر برای پیشبرد اهداف بین‌المللی و ملی است. امروزه رویدادهای ورزشی بین‌المللی جذابی وجود دارد که دولت‌ها دلایل مختلفی برای آمیخته کردن ورزش با سیاست و دیپلماسی دارند. ازجمله این دلایل می‌توان به تغییر ایجاد شده در فضای دیپلماتیک و رویگردانی آنها از مباحث منسوخ شده دوران جنگ سرد، گسترش ورزش و نهادهای ورزشی از نظر قلمرو، قدرت و جذابیت، انزجار مردم جهان از خشونت‌های قرن بیستم و تمایل به جنبه‌های قدرت نرم همچون مبادلات فرهنگی و ورزشی و تبدیل شدن ورزش به بخش مهم زندگی مدرن اشاره کرد (صباغیان، ۱۳۹۴، ص ۱۴۴). در جهان امروز در دیپلماسی بین‌المللی، به منظور رشد اقتصاد داخلی و مقابله با سیاست انزوا و خطر تحریم کشورها، توجه به روابط رسمی و غیررسمی نیازی ضروری است، در این راستا، ورزش فرصت ارزشمندی را برای تعامل با فرهنگ متقابل و ارتباطی صلح‌آمیز و پایدار میان ملت‌ها می‌سازد.

تعاریف مختلفی از دیپلماسی ورزشی در متون مختلف به ویژه در دهه گذشته آمده است؛ از جنگ بدون شلیک (Jackson, 2013, p. 274) تا ابزار توسعه پایدار (شریعتی فیض‌آبادی و ناظمی، ۱۳۹۶، ص ۱۸۴)، که همه آنها به دنبال فهم بهتر تعاملات عرصه بین‌الملل و دوستی‌ها و کمک به از بین بردن کلیشه‌ها و تعصب بودند. ورزش ابزاری کم‌خطر، کم‌هزینه و پرمحتوا برای فعالیت‌های دیپلماتیک است (Pigman & Rofe, 2014, p. 1095). در تعریفی جامع، دیپلماسی ورزشی را می‌توان بخش پررنگ دیپلماسی عمومی نامید که در آن از تمامی ظرفیت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری ورزش یک کشور از قبیل تجهیزات و فضاها، ورزشی، ورزشکاران، مربیان، مدیران ورزشی، استفاده می‌شود، تا قدرت نرم آن در عرصه بین‌الملل تقویت گردد (شریعتی فیض‌آبادی و گودرزی، ۱۳۹۴، ص ۷۷). باید گفت ورزش، در بسیاری از کشورها، مدت‌هاست که ازجمله ابزارهای ارتباطی و فراگیر برای ارتباط با جامعه و دیگر کشورها به‌کار رفته و این مهم هر روز پررنگ‌تر نیز می‌شود. دیپلماسی ورزشی پیشرفت جدیدی در روابط بین‌الملل نیست. آنچه که دیپلماسی ورزشی را برای گسترش نفوذ سیاسی دولت‌ها به لحاظ منطقه‌ای و فراتر از آن متناسب می‌کند، ویژگی خاص ورزش به‌عنوان یک فعالیت جذاب جهانی است. از مزایای منحصربه‌فرد دیپلماسی ورزشی

این است که با وجود صرف هزینه کم، نتایج نسبتاً بالایی دربردارد (Mare & Tatjana, 2015, p.90). دیپلماسی ورزشی را می‌توان در یک تقسیم‌بندی کلی‌تر یعنی دیپلماسی عمومی و فرهنگی قرار داد، که در دو سه دهه اخیر رواج بیشتری یافته است (Murray, 2012, p. 5). در پژوهش‌های بسیاری قدرت دیپلماسی ورزش را هم‌ردیف قدرت نرم قرار داده‌اند. ورزش نیاز امروز دیپلماسی و استفاده از قدرت نرم برای تأثیرگذاری در دنیا است. عرصه دیپلماسی ورزشی، عرصه کاملاً تخصصی و استراتژیک است و با سرمایه‌گذاری در این بخش می‌توان در جهان امروز روابط دیپلماتیک بین‌المللی را مقتدرانه‌تر دنبال نمود. کشورهای مختلف در سطح جهان آنقدر دیپلماسی ورزشی را پراهمیت می‌دانند که سالیانه بودجه کلانی را به این مهم اختصاص می‌دهند. از این میان می‌توان از تجربه کشورهای چون روسیه، برزیل، چین، هند و... نام برد. در این میان همان‌طور که گفته شد، نگاه دیپلماسی ورزشی که منجر به مثلاً میزبانی بین‌المللی ورزشی می‌گردد، غیر از مباحث سیاسی، اقتصادی و دیپلماتیک، بحث ارائه و تبادل خرده فرهنگ‌ها بین ملل مختلف مطرح است.

۵. تاریخچه دیپلماسی ورزشی ایران و ایالات متحده آمریکا

روابط ایران و آمریکا از سال ۱۹۷۹ دوره‌ای طولانی از دشمنی و خصومت را تجربه کرده و تنها لحظات زودگذری از آرامش در میان این تنش‌ها وجود داشته است. دیپلماسی در واقع فن مدیریت تعامل با جهان خارج از سوی نهادها، دولت‌ها و سازمان‌ها است. قطعاً ابزارها و سازوکارهای متعددی برای اعمال این مدیریت می‌توان در نظر گرفت (صالحی امیری و محمدی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۸). هرچند ایران در اولین سال‌های پس از انقلاب و در بحبوحه جنگ سرد، با الگو قرار دادن اصل نه شرقی نه غربی، بازی‌های المپیک ۱۹۸۰ مسکو و ۱۹۸۴ لس آنجلس را با شعار ما بازی نمی‌کنیم، تحریم کرد (شهابی، ۱۳۸۸، ص ۲۰). علاوه بر این، استفاده از فراکسیون ورزش در مجلس، استفاده از افراد مطلع و آگاه و آموزش و آگاهی دادن به افراد صاحب کرسی نیز در تحقق این اهداف موثر هستند (جوادی‌پور و راسخ، ۱۳۹۶، ص ۲۲۷). در فوریه ۱۹۹۸، تیم ملی کشتی آمریکا با دعوتنامه رسمی فدراسیون کشتی جمهوری اسلامی ایران برای شرکت در مسابقات مهم جهان پهلوان تختی وارد ایران شد. محبوبیت کشتی در ایران به مانند محبوبیت فوتبال آمریکایی در ایالات متحده آمریکا است. اگرچه این رویداد پوشش خبری اندکی در رسانه‌های آمریکایی، حداقل در بخش ورزشی داشت، اما رویدادی مهم در ایران به حساب می‌آمد که عده زیادی را در مجموعه ورزشی آزادی جمع کرد. فرصت دیگر برای نشان دادن دیپلماسی ورزشی بین ایران و آمریکا در ژوئن ۱۹۹۸ به وجود آمد. زمانی که تیم‌های فوتبال ایالات متحده و ایران در جام جهانی فرانسه هم‌گروه شدند. اهمیت این بازی در پیروزی ۲-۱ ایران نبود، بلکه در رفاقت و روحیه‌ای بود که بازیکنان هر دو طرف در زمین مسابقه به نمایش

گذاشتند. رسانه‌های جریان اصلی در ایالات متحده این بار این رویداد را به خوبی پوشش دادند. این مسابقه به نمادی در برابر کلیشه‌های سیاسی تبدیل شد که سال‌ها درباره ایران وجود داشت. این رویدادها و دیپلماسی ورزشی علاوه بر کشتی و فوتبال، در ورزش‌های کمتر محبوب دیگر نیز پیگیری شدند. آنچه کشتی را به مسأله‌ای تاثیرگذار در دیپلماسی عمومی تبدیل می‌کند، حضور این ورزش در سطحی گسترده در میان عموم مردم ایران است. پس از قرار گرفتن ایران در رده چهل و نهم رده‌بندی جهانی تییس در سال ۲۰۰۸، تیم ایران با پیشنهادی از فدراسیون ایالات متحده برای برگزاری دوره‌های آموزشی مشترک در لاس وگاس مواجه شد. اواخر همان سال، تیم ایران برای بازی در تورنمنت لاس وگاس به آمریکا دعوت شد (انتصار، ۱۳۹۵، ص ۲).

همچنین در سال ۲۰۱۴ نیز تیم ملی والیبال مردان ایران برای شرکت در بازی‌های جهانی به ایالات متحده آمریکا رفت و در برابر تیم ملی این کشور قرار گرفت. تلویزیون ایران این مسابقه را پخش کرد. سازماندهی چهار بازی در چهار شهر مختلف نیازمند منابع، صرف زمان، هماهنگی و ارتباطات با چندین مجموعه و سازمان از جمله وزارت خارجه برای تسهیلات و ویزا و تجهیزات لجستیکی برای میزبانی از تیم ایران بود. این اولین سفر تیم والیبال ایران به ایالات متحده آمریکا از زمان انقلاب ایران بوده است و مهم‌تر اینکه این بازی در لس آنجلس برگزار شد که تعداد بی‌شماری از ایرانیان را در خود جای داده است. قدرت نرم دیپلماسی والیبال به وضوح تاثیر مثبتی بر روابط ایران و آمریکا داشته است. دیپلماسی والیبال چندین مانع بزرگ میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده را از میان برداشت.

در ارتباط با دلایل و علل روی آوردن سیاست‌مداران به ورزش جهت استفاده از این ظرفیت با اهداف سیاسی، نظریه‌های بسیاری ارائه شده که عموماً بر مسئله حل و فصل اختلافات و تقویت صلح تاکید دارند (Nygard & Gates, 2013, p. 249). گسترش رقابت‌های سیاسی، ایدئولوژیک و ژئوپولیتیکی کشورها و قدرت‌های بزرگ به میدان بین‌المللی ورزش، به یکی از مشخصه‌های ورزش در دوران معاصر تبدیل شده و دولت‌ها مکرر از رقابت‌های بین‌المللی ورزشی به مثابه میدانی برای اعتبار بخشیدن به سیستم‌ها و ایدئولوژی‌های خود و همچنین برای پی‌جویی اهداف سیاست خارجی استفاده کرده‌اند. دیپلماسی ورزشی از آنجایی که محل ورود و عملکردش یک موضوع غیرسیاسی و اجتماعی بسیار محبوبی است، فرصت‌های زیادی را در اختیار مجریان برای برآورده کردن خواسته‌هایشان قرار می‌دهد. دیپلماسی ورزشی در کشورهای گوناگون به میزان مختلفی به آن پرداخته می‌شود. از کاربردها و اهدافی که از دیپلماسی ورزشی برای تسهیل روابط با ایالات متحده آمریکا می‌توان استفاده کرد، اقدامی پوششی برای اقداماتی با حساسیت‌های سیاسی بالا است، به گونه‌ای که

ورزش به عنوان یک حائل و یا نقطه آغاز صلح، آشتی یا برقراری ارتباط استفاده می‌شود. امروزه ورزش به طور اجتناب‌ناپذیری با سیاست پیوند خورده و یکی از عرصه‌های بسیار مهمی است که حکومت‌ها با آگاهی کامل از ابعاد سیاسی- اجتماعی آن همواره تمایل داشته‌اند تا از آن برای دستیابی به اهداف مورد نظر خود بهره‌برداری کنند (پلونده و رستمی، ۱۴۰۱، ص ۳۵).

۶. والیبال، سفیر دیپلماسی ورزشی در تسهیل و بهبود روابط ایران و آمریکا

ورزش زبانی جهانی است که مردم می‌توانند از طریق آن رسانه‌ای برای بیان تمایلات خود پیدا کنند و بدین ترتیب با یکدیگر ارتباط برقرار نمایند. هیچ کس مخالف ورزش نیست؛ ورزشکاران بدون توجه به ملیت و مذهبشان، در سرتاسر دنیا مورد احترام هستند. به‌علاوه، مبادلات ورزشی مدیران، مربیان، کادر پزشکی، تمرین دهندگان، ورزشکاران و دیپلمات‌ها را دور هم جمع می‌کند. همه آنها باید برای بهترین ارائه از سوی تیم خود با هم همکاری کنند. ورزش تلاشی دسته‌جمعی است که همکاری، رقابت و حتی دوستی به ارمغان می‌آورد. بسیاری از کارشناسان از این باور حمایت می‌کنند که دیپلماسی ورزشی ابزاری آسان، ایمن و ملایم برای بهبود روابط بین‌المللی است. لذا، دیپلماسی ورزشی به خصوص تمرکز بر ورزش‌هایی مانند والیبال که جایگاه ویژه‌ای در میان ملل جهان دارد، می‌تواند به بازسازی تصویر یک کشور در چشم جهانیان و تقویت روابط کشورهای مختلف کمک کند. دیپلماسی ورزشی می‌تواند هویت و سازوکارهای جدیدی را در سیاست، فرهنگ و جامعه هر کشوری به وجود آورد. ایران در سال‌های گذشته با نشانه‌هایی از محدودیت‌های بین‌المللی کنفدراسیون‌های ورزشی روبه‌رو بوده است. دیپلماسی ورزشی می‌تواند نیروی متعادل‌کننده قواعد داخلی و بین‌المللی برای نیل به نتیجه تعادلی باشد. رابطه متقابل بین ورزش، سیاست، فرهنگ و جامعه از این جهت اهمیت دارد که می‌تواند زمینه‌های لازم برای عقلانیت اجتماعی، ثبات سیاسی و کنترل فضای عمومی را به وجود آورد. رابطه متقابل بین ورزش، سیاست، فرهنگ و جامعه از این جهت اهمیت دارد که می‌تواند زمینه‌های لازم برای عقلانیت اجتماعی، ثبات سیاسی و کنترل فضای عمومی و بین‌المللی را به وجود آورد. نگرش حوزه سیاست به ورزش براساس رهیافت کارکردگرایی انجام می‌گیرد. ورزش از یک طرف زمینه تخلیه هیجان‌ها، تنش‌ها و انرژی‌های نهفته را به وجود می‌آورد. از سوی دیگر می‌تواند ثبات اجتماعی و تعادل سیاسی با کشورهای دیگر را فراهم سازد. دیپلماسی ورزشی نیازمند حداکثرسازی ارتباطات جهانی است. ارتباطات جهانی براساس نمادها و نشانه‌های بنیادین در کنش ارتباطی متقابل معنا می‌یابد. صنعت ورزش در فضای ارتباطات جهانی، موضوعات مربوط به فدراسیون‌های ورزشی را در قالب مولفه‌های حرفه‌ای، فراهویتی، فراساختاری و تغییریابنده تفسیر می‌کند. رویدادهای ورزشی می‌تواند بهانه‌های بزرگی برای جلسات غیررسمی

رهبان باشد و مسابقات بزرگ ورزشی می‌تواند دیپلماسی گسترده‌ای را فرام کند که در آن بسیاری از رهبان سیاسی می‌توانند با یکدیگر دیدار کنند (تهذیبی، ۱۴۰۰، ص ۳۵).

ورزش در دیپلماسی عمومی به عنوان ابزاری موثر برای توسعه روابط بین‌المللی مورد تأکید است، خصوصاً برای آن دسته از کشورهایی که دارای فضای سرد سیاسی متقابل هستند، می‌تواند موجب تلطیف و عادی‌سازی رابطه میان دو کشور شود. مدت‌هاست که ایالات متحده آمریکا متوجه نقش قدرتمند ورزش به عنوان یک علاقه مشترک فرهنگی شده است که موجب نزدیک‌تر شدن مردم و فرهنگ‌های مختلف در سرتاسر جهان می‌شود. ورزش یک زبان مشترک است که می‌تواند علی‌رغم تفاوت‌های نژادی، مذهبی و منطقه‌ای، مردم را به دور یکدیگر جمع کند. والیبال و ورزش منحصر به فردی است که می‌توان آن را به راحتی در محیط‌های باز (والیبال ساحلی) و محیط‌های بسته (والیبال سالنی) انجام داد. برنامه مسابقات والیبال به طور منظم هر چهار سال یک‌بار تاکنون در کشورهای مختلف انجام شده است. علاوه بر مسابقات قهرمانی جهان و المپیک، مسابقات والیبال در سراسر جهان با عنوان لیگ جهانی، جام جهانی، قهرمانی آسیا، پان آمریکن، قهرمانی اروپا، بازی‌های آسیائی، والیبال ساحلی، جهانی دانشجویان (یونیورسیاد)، قهرمانی آفریقا، ارتش‌های جهان و ... گروه‌های سنی نوجوانان، جوانان و بزرگسالان به طور منظم انجام می‌شود. به سبب اهمیتی که والیبال در بین ورزش‌ها بدست آورد، در سال ۱۹۶۴ مسابقات والیبال مردان و زنان به برنامه بازی‌های المپیک توکیو اضافه شد.

ورزش به عنوان یک مولفه مهم اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و بین‌المللی شناخته می‌شود و نقش در حال گسترشی در جوامع و در روابط میان کشورها ایفا کرده و به عاملی تاثیرگذار در جامعه و روابط بین‌الملل تبدیل شده است. ورزش را می‌توان به عنوان مفهومی چندوجهی با ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و حتی به عنوان بُعدی تازه از سیاست خارجی که در گستره وسیعی از تعاملات میان دولت-ملت‌ها به تدریج نقش پررنگ‌تری ایفا کرده و می‌نماید، مورد توجه و بررسی قرار داد. دیپلماسی ورزشی بخش دیگری از معادله کنش فرهنگی، مدیریت ادراک اجتماعی و اثربخشی در حوزه سیاست محسوب می‌شود (نکولعل آزاد، ۱۳۹۹، ص ۲). هدف اصلی برگزاری دیپلماسی ورزشی را می‌توان کاهش تهدیدات چندجانبه^۱ و تبدیل تهدیدات به فرصت‌های دیپلماتیک و راهبردی^۲ برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دانست. ضرورت‌های مدیریت بحران ایجاد می‌کند که ایران از سازوکارهای اجتماعی، ورزشی و بین‌المللی برای مدیریت تهدیدات استفاده کند.

1. Reducing multilateral threats
2. Diplomatic and strategic opportunities

مقابله با تهدیدات در شرایطی امکان‌پذیر است که از سازوکارها و ابزارهای کنش علمی برای مقابله با تهدیدات کم‌شدت و پرشدت استفاده شود. نهادهای اجتماعی، ورزشی و راهبردی جمهوری اسلامی باید به این موضوع واقف باشند که اهداف آنان، پیوند درهم‌تنیده‌ای با ضرورت‌های راهبردی نظام سیاسی دارد. تحقق چنین اهدافی در شرایطی امکان‌پذیر است که ورزش به‌مثابه حوزه اجتماعی امنیت و موضوعات راهبردی تلقی گردیده و برای تحقق آن از تدبیر، بصیرت و عقلانیت راهبردی استفاده شود. بهره‌گیری از سازوکارهای علمی و رویکرد تحلیلی پژوهشگران ایرانی معطوف به این نکته خواهد بود که هرگونه سازوکار مقابله با تهدیدات، نیازمند بهره‌گیری از ابزارهایی است که اولاً، منجر به شناخت تهدید می‌شود. ثانیاً، زمینه لازم برای مدیریت تهدیدات را به‌وجود می‌آورد و ثالثاً، زیرساخت‌های لازم برای تبدیل تهدید به فرصت را فراهم می‌سازد. ورزش این قدرت را دارد که دنیا را تغییر دهد. ورزش قدرت الهام‌بخشی دارد. ورزش این توان را دارد که مردم را طوری متحد کند که کمتر چیزی یا کسی توانایی انجام آن را دارد. ورزش با جوانان به زبانی صحبت می‌کند که آن را می‌فهمند. ورزش می‌تواند در جایی که زمانی تنها ناامیدی وجود داشته است، امید ایجاد کند.

۷. نتیجه‌گیری

در دنیای امروز اهمیت ورزش در زندگی اجتماعی افراد بیش از پیش هویدا و نمایان شده، آثار آن در روابط و تعاملات بین‌فرهنگی کشورها بیش از گذشته افزایش یافته و می‌یابد و واقعیت ارتباط ورزش با روابط بین‌الملل، غیرقابل انکار است. می‌توان گفت دولتمردان در بحث دیپلماسی ورزشی، هم از آن برای فشار آوردن به دیگر کشورها استفاده می‌کنند و هم برای بهبود روابط و تقویت دوستی‌ها، حل مشکلات و مسائل سیاسی و نهایتاً دستیابی به صلح بهره می‌برند. می‌توان از پتانسیل دیپلماسی ورزشی و به ویژه دیپلماسی والیبالی برای کاهش میزان اختلافات میان دو کشور و ایجاد پلی ارتباطی با مردم و جامعه آمریکا در کاهش تنش‌ها استفاده کرد. دیپلماسی ورزشی این پتانسیل را دارد که روابط میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا را بهبود ببخشد. بنابراین، این نوع از دیپلماسی برای ارسال سیگنال‌هایی از بهبود و ارتقای روابط میان دو کشور با روابط محدود، قابل اعمال و مورد استفاده است. توسل به دیپلماسی ورزشی در شرایطی که دیپلماسی کلاسیک شکست خورده است، می‌تواند با تنش‌زدایی در سطح جوامع، باعث تحکیم روابط صلح‌آمیز میان کشورها شود. دیپلماسی ورزشی به عنوان یک پدیده جدید، یک مسیر در ورزش باز کرده است که هدف آن افزایش گفتگو برای باز کردن افق‌ها و دیدگاه‌های جدید و کمک به درک بیشتر فرهنگی بین مردم جهان است. در این میان مسابقات ورزشی، خصوصاً والیبالی، کارکردی بی‌بدیل را در زمینه رفع بدبینی‌های فکری میان ملت ایران و آمریکا ایفا کرده است. ورزش در اوج تنش‌های دو کشور، حداقلی از روابط

را برای دو کشور باقی گذاشته و شکل‌گیری قدرت نرم بستری برای نیل به اهداف ضمنی سیاسی برای دو کشور ایران و آمریکا فراهم کرده است. اگرچه دیپلماسی ورزشی این پتانسیل را دارد که روابط بین جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا را بهبود ببخشد، اما محدودیت‌های مجزایی برای تکیه بر دیپلماسی عمومی وجود دارد که دیوار خصمانه بی‌اعتمادی میان واشنگتن و تهران را تقویت می‌کند. ورزش در مقاطعی حساس و با کمترین هزینه، به بهبود مقطعی مناسبات ایران و آمریکا کمک کرده است. پیشنهاد می‌شود برای دریافت میزبانی‌های مهم والیبال در سطح جهانی که چهره‌ای متفاوت از جمهوری اسلامی ایران با اتکاء به قدرت نرم ورزش نشان می‌دهد، مورد تأکید قرار گیرد و همچنین سرمایه‌گذاری ویژه‌ای در زمینه دیپلماسی ورزشی به خصوص والیبال برای بی‌اثر کردن تبلیغات ضد ایرانی و مقابله با ایران‌هراسی رسانه‌ها انجام شود.

منابع

- انتصار، نادر (۱۳۹۵). محدودیت دیپلماسی ورزشی در روابط ایران و آمریکا. *دیپلماسی ایرانی*. قابل دسترس در: <http://www.irdiplomacy.ir>
- بخشی چناری، امین‌رضا؛ گودرزی، محمود؛ سجادی، سید نصرالله؛ جلالی فراهانی، مجید (۱۳۹۸). ارائه راهکارهایی برای توانمندسازی و ارتقای دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. *رویکردهای نوین در مدیریت ورزشی*، (۲۱)۷، ص ۳۶-۲۱.
- بیگی، مهدی (۱۳۸۸). *قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- پلونده، حسین؛ رستمی، فرزاد (۱۴۰۱). سنجش ارتباط بین دیپلماسی ورزشی و پرستیژ بین‌المللی کشورها؛ مطالعه موردی میزبانی قطر برای جام جهانی فوتبال ۲۰۲۲. *سازمان‌های بین‌المللی*، (۱۵)۵، ص ۳۶۹-۳۴۶.
- پیرانی، شهره؛ سعیدی‌راد، آرش (۱۴۰۰). افول سیاسی ایالات متحده آمریکا؛ زمینه‌ها و دلایل. *مطالعات راهبردی آمریکا*، (۴)۱، ص ۱۶۷-۱۴۹.
- تهذیبی، خادم‌علی (۱۴۰۰). بررسی نقش و تاثیر دیپلماسی ورزشی در روابط بین‌الملل. *پژوهش ملل*، شماره ۶۹، ص ۴۶-۲۵.
- جمشیدی‌ها، غلامرضا؛ قریبی، سید محمدجواد (۱۴۰۰). افول قدرت نرم آمریکا؛ دیدگاه‌ها و زمینه‌ها. *مطالعات راهبردی آمریکا*، (۴)۱، ص ۸۸-۶۳.
- جوادی‌پور، محمد؛ راسخ، نازنین (۱۳۹۶). نقش ورزش و توسعه دیپلماسی ورزشی در پیشبرد سیاست‌های فرهنگی-اجتماعی و روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران. *مدیریت ورزشی*، (۲)۱۱، ص ۲۳۴-۲۱۹.
- دهشیار، حسین (۱۳۸۷). جهانی شدن: تک‌هنگاری طلبی ایالات متحده آمریکا. *سیاست خارجی*، (۲)۴، ص ۴۳۷.
- زرگر، افشین (۱۳۹۴). ورزش و روابط بین‌الملل، جنبه‌های مفهومی و تئوریک. *علوم سیاسی*، (۳)۱۱، ص ۴۸-۷.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۹). *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی (اصول و مبانی)*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سبزی، زهره؛ شریعتی فیض‌آبادی، مهدی؛ صابونچی، رضا (۱۴۰۰). دیپلماسی ورزش در توسعه روابط با کشورهای غربی. *پژوهش‌های فیزیولوژی و مدیریت در ورزش*، (۳)۱۳، ص ۲۷-۹.
- شاه‌رضایی، فاطمه؛ شیرزادی، فاطمه (۱۳۹۵). نقش ورزش در گسترش مناسبات بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۶-۱۳۹۲). *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، (۳۲)۱۵، ص ۶۰-۳۵.
- شریعتی فیض‌آبادی، مهدی (۱۳۹۸). مطالعه تطبیقی دیپلماسی ورزش در توسعه روابط خارجی ایران و کشورهای منتخب. *دانش سیاسی*، (۱)۱۵، ص ۱۴۸-۱۲۵.
- شریعتی فیض‌آبادی، مهدی؛ گودرزی، محمود (۱۳۹۴). جایگاه دیپلماسی ورزش در روابط بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران؛ رویکرد کیفی مبتنی بر تحلیل محتوا. *دانش سیاسی*، (۲)۱۱، ص ۱۲۷-۹۵.
- شریعتی فیض‌آبادی، مهدی؛ ناظمی، مازیار (۱۳۹۶). طراحی مفاهیم فرهنگ صلح‌ساز ورزش در توسعه روابط بین‌الملل. *راهبرد اجتماعی فرهنگی*، (۲۴)۶، ص ۱۸۸-۱۶۴.
- شهابی، هوشنگ (۱۳۸۸). دیپلماسی ورزشی بین ایالات متحده و ایران. *گفتگو*، شماره ۴۲، ص ۲۶-۷.

- صالحی امیری، سید رضا؛ محمدی، سعید (۱۳۸۹). *دیپلماسی فرهنگی*. تهران: انتشارات ققنوس.
- صبغیان، علی (۱۳۹۴). *دیپلماسی ورزشی. مطالعات فرهنگ-ارتباطات*، ۱۶(۳۱)، ص ۱۵۵-۱۳۵.
- عراقی، عبدالله؛ بیدگلی، محمد؛ رجیبی ده برزونی، اصغر (۱۴۰۱). *دیپلماسی ورزشی استراتژی بهبود روابط سیاسی با عربستان سعودی. علوم سیاسی*، ۱۸(۶۱)، ص ۳۸-۲۱.
- گلشن پژوه، محمودرضا (۱۳۸۷). *جمهوری اسلامی ایران و قدرت نرم*. تهران: نشر دانشگاه آزاد اسلامی.
- مختاری، سودابه؛ کشیشیان سیرکی، گارینه (۱۳۹۹). نقش دیپلماسی مسیر دوم در مناسبات ایران و آمریکا؛ مطالعه موردی دیپلماسی ورزشی (۲۰۱۹-۱۹۹۸). *پژوهش های روابط بین الملل*، ۱۰(۳۹)، ص ۲۹۰-۲۶۹.
- مختاری، سودابه؛ کشیشیان سیرکی، گارینه (۱۴۰۱). تأثیر قدرت نرم دیپلماسی ورزشی بر روابط ایران و آمریکا؛ مطالعه موردی دیپلماسی کشتی (۱۹۹۸-۲۰۱۳). *تحقیقات سیاسی و بین المللی*، شماره ۵۱، ص ۱۰۰-۸۹.
- نای، جوزف (۱۳۸۹). *قدرت نرم، ابزارهای موفقیت در سیاست بین الملل*. سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری. تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- نکولعل آزاد، فاطمه (۱۳۹۹/۱۰/۲۴). *دیپلماسی ورزشی؛ ضرورت ها، اهداف و پیامدها. سایت دیپلماسی ایرانی*، قابل دسترس در: <http://irdiplomacy.ir>
- هادیان، ناصر؛ احدی، افسانه (۱۳۸۸). جایگاه مفهومی دیپلماسی عمومی. *روابط خارجی*، شماره ۳، ص ۱۱۷-۸۶.
- Jackson, S.J. (2013). The contested terrain of sport diplomacy in a globalizing world. *International Area Studies Review*, 16(3).
- Mare, U. & Tatjana, P. (2015). *Sports diplomacy: development and practice*. Research in Kinesiology.
- Murray, S. (2012). *Sports-Diplomacy: a Hybrid of Two Halves*.
URL= <http://www.culturaldiplomacy.org>
- Nye, J. (2004). Soft Power and Leadership. *Compass: A Journal of Leadership*.
- Nygaard, H.M. & Gates, S. (2013). Soft power at home and abroad: Sport diplomacy, politics and peace-building. *International Area Studies Review*, 16(3).
- Pigman, G.A. & Rofe, J.S. (2014). Sport and Diplomacy: An Introduction. *Sport in Society*, 17(9).